

# مقالات و بررسیها

نشریه پژوهش‌های دین‌شناسانه الهیات و معارف اسلامی

سال ۱۳۵۸

دفتر ۳۲-۳۳

بسمه تعالی

## فلسفه انقلاب و حکومت

یکی از آثار انقلاب عظیم ایران توجه دادن محققین جهان به اسلام بعنوان يك عامل قوی و محرك جامعه بود، زیرا بر کسی پوشیده نیست که این نهضت از مراکز روحانی شروع و در پایگاههای مساجد تقویت و بوسیله ملت مسلمان پیاده شد، باین مناسبت در این مقاله موضوع انقلابها و نهضت‌ها که به نابودی نظام‌های غیرخدائی یعنی غیر انسانی و جان‌نشین شدن نظام‌های الهی و توحیدی منتهی میشود بطور مختصر بررسی شده است. از دید قرآن تغییر نظام طاغوتی به نظام توحیدی ضمن ۴ مرحله انجام میگردد: ۱- ظلم، ۲- ارسال رسل، ۳- نابودی نظام، ۴- استخلاف قوم دیگر و نظام جدید. آیاتی که این مطلب را باتعابیر مختلف بیان کرده بطور فهرست از این قرار است:

۳۶ر۳۱ و ۱۸ر۴۳ و ۵۲ر۵۰ و ۲۲ر۲۶ و ۲۱ر۶ و ۲۰ر۱۲۸ و ۱۹ر۹۸ و  
۱۲ر۱۲ و ۱۰ر۱۳ و ۶ر۶ و ۱۳۹ر۱۳۹ و ۲۶ر۲۶ و ۸ر۵۴ و ۲۲ر۴۵ و ۱۹ر۷۴ و ۷ر۴ و ۵۴ر۵۱ و  
۴۶ر۲۲ و ۴۳ر۸ و ۳۸ر۳ و ۲۸ر۵۸ و ۴۴ر۳۷ و ۵ر۳۶ و ۶ر۴۷ و ۱۷ر۵ و ۷۷ر۱۶ و  
۱۷ر۱۶ و ۶۷ر۲۸ و ۴۱ر۱۳ و ۲۱ر۹ و از باب نمونه آیه ۶ سوره انعام ....

## مرحله نخستین: «ظلم»

ظلم‌هایی که سبب زوال يك نظام میگردد در قرآن از این قرار است :

۱- تکذیب حق، جامعه‌ئی که در برابر حق عناد میورزد و به ارزش‌های انسانی اعتنا نمیکند و گرفتار قیود خودخواهی و خودبینی شده قدم در جاده سقوط گذارده است.

آیات: ۳۲۲۶ ۲۱۶ ۱۹۹۸ ۱۲۱۲ ۸۵۴ ۵۲۹۰  
 ۶۹۶ ۶۱۵ ۴۶۲۷ ۳۸۳ ۳۶۲۱ ۶۶ ۲۸۴۳ ۴۵۲۴  
 ۱۳۴۸ ۲۰۱۲۸ ۷۰۱۳۴ ۷۷۱۶ ۴۷۱۳ ۲۶۱۳۹ ۱۹۷۴  
 ۷۴ ۵۴۵۱ .

۲- حکومت فاسدان: در جامعه‌ای که فضیلت‌ها فراموش شده و جاه‌طلبی‌ها و افزون‌طلبی‌ها و مقام‌پرستی‌ها جایگزین خصلت‌های پاک انسانی شده است طبیعی است که در این مسابقه، افراد هرچه رذل‌تر و درنده‌تر باشند شانس موفقیت در دست گرفتن قدرت حکومتی را بیشتر دارند و در نتیجه ناپاکان به سرنوشت و مقدرات يك ملت حاکم میگردند آیه ۲۰۵.

۳- اسراف و فساد: وقتی این عناصر ناپاک برمسند قدرت و حکومت تکیه زدند با توجه به در اختیار داشتن وسائل خوشگذرانی و عیاشی و نبودن رادع و بازدارنده اخلاقی دست به اسراف و اتراف میزنند و در نتیجه يك ناهم‌آهنگی در میان جامعه پدید می‌آید. و اختلاف طبقاتی شدید سبب میشود که طبقه زورمند با خصلت افزون‌طلبی طبقه زیردست را استثمار و بهره‌کشی از آنها بنماید آیه ۲۱۹۵ و ۲۱۹.

۴- استبداد: در این جامعه‌ئی که طبقه زورمند حاکم شده و اسراف و فساد در حکام و زورمندان رواج یافته طبقات زیردست زیر فشار قرار میگیرند و برای جلوگیری از طغیان و جنبش آنان استبداد و دیکتاتوری همراه با هر نوع شکنجه و زجر و زندان نسبت به آنان اجرا میگردد.

۵- رکود اقتصادی: ثروت که بمنزله خون جامعه باید در همه شریان‌ها جریان داشته باشد در دست عده‌ای محدود قرار میگیرد و فقط بصورت ربا با همه شئون و اشکالش از آن بهره‌برداری میشود و در نتیجه رکود اقتصادی پیش می‌آید

آیات: ۵۳۶ ۳۱۱۷ ۲۸۵۷ ۱۹۲۴.

### ظهور مصلحان:

جامعه‌ئی که دچار این چنین بیماری‌ها و انحراف‌ها و فسادها گشته است آبستن يك تحول و دگرگونی بوده و ظهور يك انقلاب از بطن این جامعه قطعی میباشد و اینجا است که يك فرد از همان مردم محروم بیرون می‌آید و رهبری حرکت را در دست می‌گیرد.

از ظهور مصلح تا نابودی نظام باید ۴ مرحله تحقق یابد: ۱- آگاهی، ۲- خودسازی، ۳- گردهم‌آئی و تشکیل امت، ۴- درگیری.

آگاهی - اولین گامی که مصلح در چنین جامعه‌ای بی‌خبر و ناآگاه بر میدارد روشن کردن افکار و بیدار کردن مردم و ارشاد آنان است و در تعبیر قرآن: ادع الی سبیل ربك بالحکمه و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن. سوره نحل آیه ۱۲۵، مردم را به راه حق و عدل و بایبان منطقی و مستدل ارشاد و دعوت کن.

و من احسن قولا ممن دعا الی الله و عمل صالحا و قال اننی من المسلمین. سوره مومنون آیه ۳۳ و لاتستوی الحسنه و لا السیئة ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینة عداوة کانه ولی حمیم آیه ۳۴ سوره فصلت.

و در تاریخ نهضت اسلام می‌بینیم که پیامبر اسلام جنبش عظیم خود را با اعلام توحید و ارشاد و اتداری آغاز نمود.

### دوره سازندگی :

پس از اینکه مصلح جامعه با ارشاد خالصانه خود توانست جمعی را دعوت به فکر و مکتب اصلاحی خود کند هسته اولیه يك جمعیت انقلابی که اساس و ارکان حرکت باید باشند بوجود می‌آید، این گروه قبل از هر چیز باید از جهات اخلاقی و روحی آن چنان ساخته شده باشند که تحت تاثیر هیچ عامل قرار نگرفته و از راه و مکتب خود کوچکترین انحرافی پیدا نکنند و همچون کوه در برابر طوفان‌های سهمگین مقاومت نمایند. باز در تاریخ نهضت اسلام می‌بینیم که در مکه دوره سازندگی رسول اکرم بود که در شرائط نامساعد حکومت اشرافی مکه، جمعی تربیت میشوند که روح اسلامی در سراسر وجود آنان نفوذ کرده و فکری و هدفی جز انجام مسئولیت الهی نداشتند که استاد بزرگوار آقای

طباطبائی معتقدند جمله‌ی «یا ایها الذین امنوا» در قرآن لقب و مدال افتخاری است که خداوند باین پیشتازان و پیشروان اسلامی داده است.

### تشکیل امت:

مرحله سوم ائتلاف و ارتباط این عناصر ساخته شده و تشکیل يك «امت» است این گروه که دارای ایدئولوژی و عقیده واحدی هستند و همه بسوی يك هدف تکاملی پویا هستند که کلمه «امت» در اصطلاح قرآن به این گروه اطلاق شده به همین مناسبت است: کتم خیرامة اخرجت للناس..... زیرا واژه امت از «ام» به معنای قصد گرفته شده است.

در تشکیل این امت ملیت‌ها و نژادها و رنگ‌ها کوچکترین نقشی ندارند و اساس ارتباط همان وحدت ایدئولوژی و عقیده است.

استقلال و خودکفائی «امت» حالت جاذبه و دافعه دارد مسئولیت افراد نسبت بهم فکran خود در آن حد است که روابط خویشاوندی مربوط به خون و نژاد محکوم این رابطه عقیدتی است و در برابر دشمنان فکر و عقیده همه در صف واحد قرار گرفته‌اند: «محمد رسول الله والذین معه اشد علی الکفار رحماء بینهم فقط به نیروی ایمان خود تکیه کرده و به هیچ قدرتی دیگر بستگی ندارند تکیه کردن به دشمن از نظر اسلام گناه است ولا تترکوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار یا ایها الذین امنوا لاتتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء تلقون الهمیم بالمودة....

### درگیری و نبرد:

وقتی این گروه انقلابی بهم پیوسته و ساخته شدند دشمنان مکتب که همان طبقه حاکم و مسلط بر جامعه است نیز ساکت و آرام نمیشود و به روشی برای سرکوبی و نابودی این حرکت متوسل میگردد و اتحاد مثلث نیروهای اهریمنی زور و زر و تزویر در خاموش کردن این صدا قوی‌تر میگردد در اینجا است که درگیری و برخورد پیش می‌آید.

در انقلاب اسلامی «جنگ و در تعبیر قرآن قتال و جهاد در حد ضرورت در مقابله با فساد و ستم‌گری جائز شمرده است.

انن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله علی نصرهم لقدیر الذین اخر جوامن

دیارهم .... درگیری نیروهای حق و باطل به قول هگل جریانی است اجتناب‌ناپذیر در سیرتکامل جامعه و به تعبیر قرآن: **وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتِ السَّمَوَاتُ وَبُيِعَ وَبُيعَ .....**

**هدف این قتال ، امتیازی که این درگیری که در راه پیاده کردن یک نظام عدل و انسانی است با جنگها و درگیری‌های دیگر دارد اینست که هدف آن «خدا» یعنی فضیلت، حق، ارزشها، عدل، قسط مساوات است. و با جنگ‌هایی که بر اثر توسعه طلبی و دست‌گذاردن استعمارگران بر روی منابع طبیعی است فرق فراوان دارد. اسلام بر همه پیروان خود فرض نموده که برای تحقق حکومت عدل الهی کوشش کنند با ظلم بجنگند و اسباب و عوامل آن را ریشه کن نمایند این نوع کوشش در قرآن تعبیر به «الجهاد فی سبیل الله» القتال فی سبیل الله شده: **وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره ۲۴۴) و جاهدوا فی الله حق جهاده» (حج ۷۸).** میدانیم عنوان «سبیل الله، یعنی در راه حق و فضیلت.**

از دیدگاه قرآن جهاد اسلامی باید با خلوص کامل و دور از هر نوع هدف های زیادت طلبی و مادی باشد. **فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدینا بالآخره و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجرا عظیما و مالکم لاتقتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال والنساء والولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها واجعل لنا من لدنک ولیا واجعل لنا من لدنک نصیرا. (نساء ۷۵).**

در احادیث نبوی آمده است که یاران پیامبر در تفسیر عنوان «فی سبیل الله» از رسول اکرم سؤال کردند: مردی برای کسب غنیمت می جنگید و دیگری برای کسب نام و سومی برای کسب موقعیت در جهاد آیا کار این گروهها میتواند «فی سبیل الله»؟ باشد حضرت فرمود: «من قاتل لتکون کلمة الله هی العلیا فهو فی سبیل الله».

جهاد در اسلام که بمنظور پیاده شدن نظام الهی که همان «کلمة الله» و مبارزه با ظلم و فساد است تکلیفی است که همیشه هست و پایان نمیپذیرد.

### اسلام و قوانین بین المللی جنگ :

در اینجا بین قوانین جنگی اسلام با مقررات بین المللی درباره جنگ مقایسه میکنیم تا بیشتر دریابیم که آن روح و هدف جنگ که تحقق عدل است

چگونه در همه قوانین جنگی اسلام خودنمایی مینماید. ذکر این نکته بجا است که برخی از دانشمندان معتقدند که بکار بردن لغت «قانون» در مورد مقررات بین‌المللی درست نیست زیرا به آن دستوری، کلمه قانون گفته میشود که ضمانت اجرائی داشته باشد بنابراین مقررات بین‌المللی که هیچگونه قدرتی را که ضامن اجرای آنها باشد دنبال ندارد عنوان «قوانین» بخود نمیگیرد بعکس احکام الهی که برخی از دانشمندان معتقدند که بکار بردن لغت «قانون» در مورد مقررات نمونه‌هایی از مقررات بین‌المللی و قوانین اسلام درباره جنگ و جهاد.

**بین‌المللی:** دولتی که ناچار شده است اعلان جنگ به دولت دیگر بدهد باید قبل از شروع، وقت دقیق حمله را به آن دولت اعلام نماید و غافلگیرانه حمله نکند.

... اسلام : بر مسلمین واجب است که قبل از شروع در جنگ با کفار، آنان را به اسلام دعوت کنند و در تاریخ اسلام میبینیم که رهبر اسلام هیچگاه جنگی را آغاز نمیکرد مگر آنکه قبلاً مردمی را که در مقابل ایستاده بودند دعوت به اسلام مینمود و فرماندهان دستور میداد که وقتی در برابر دشمن قرار گرفتند آنها را به انجام یکی از سه امر دعوت کنید: ۱- اسلام، ۲- جزیه، ۳- جنگ.

..... بین‌المللی در صورت وقوع جنگ باید غیرنظامیان از تعرض و حمله مصون باشند .

اسلام: در اسلام اجازه جنگ فقط با گروهی است که در مقام محاربه و نبرد با مسلمین برخاسته‌اند و قاتلوفی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدو (بقره آیه ۹۰). فقط با کسانی نبرد کنید که با شما می‌جنگند تجاوز و تعدی نکنید که مفهوم تجاوز و اعتداء، جنگیدن با کسانی است که جنگجو نیستند مانند بچه‌ها و زنان و بیماران و پیرمردان. ریاح بن ربیع میگوید: با رسول خدا در یکی از غزوات بودم که پیامبر بر جسد زنی که اتفاقاً کشته شده بود گذشت ایستاد و فرمود نباید این زن کشته میشد سپس بیارانش رو کرد فرمود: فوراً خود را به خالد بن ولید برسان و باو بگو زنان و خردسالان را نکشند.

قبل از جنگ موته در حالیکه سپاه آماده حرکت بود رسول اکرم فرمود: زنان و سالخورده‌گان را مکشید درختی را از زمین نکنید و آتش نزنید و بنائی را ویران نسازید.

ابن عباس میگوید: رسول اکرم وقتی لشکری را به ماموریت میفرستاد

میفرمود «لاتقتلوا اصحاب الصوامع»: مردمی را که در معابد جمع اند و باشما سر جنگ ندارند نکشید.

.. بین المللی:

مسموم کردن آب نهرها و قنات‌ها و چاه‌ها را تحریم کرد و همچنین توصیه میکند که نسبت به اجساد، کشته شدگان اصول انسانی و سنن قومی رعایت شود از هر نژاد و پیرو هر مکتب که باشد فرقی نمیکند. اسلام - رسول اکرم وقتی فرماندهی را برای سپاهی معین میفرمود او را به تقوی و پاکی سفارش میکرد و میفرمود: بنام خدا و در راه خدا بجنگید با کسانی که سد راه هدایت و سعادت‌اند نبرد کنید اما در این نبرد از حيله گری و زیاده روی و کشتن کودک و مثله کردن اجساد اجتناب کنید.

اغزوا باسم الله وفي سبيل الله قاتلوا من كفر بالله، اغزوا ولا تغلوا ولا تغدروا ولا تمثلوا ولا تقتلوا وليدا.

.... بین المللی: نسبت به اسیران جنگی در مقررات بین المللی توجهاتی خاص شده است که باید با آنان بخوبی رفتار شود و اذیت و آزار نشوند در صورتیکه در جنگ افرادی تسلیم و اسیر شدند کشتن، زخمی کردن، و بدرفتاری و تحقیر و امثال آن نسبت به آنان جایز نیست.

.... در اسلام. نه تنها دستور اکید بر حسن رفتار نسبت به اسیران شده بلکه در قرآن کریم درباره مومن چنین دارد که ایثار میکنند و اسیران را بر خود مقدم میدارند «ويطعمون الطعام على حبه مسكينا ويتيما واسيرا ان انطعمكم لوجدا لله لانريد منكم جزاء ولا شكورا ويوثرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة. انسان . ۹-۸

### حکومت الهی :

در اینجا سئوالی مطرح میشود که آیا در اسلام وظیفه يك مسلمان فقط مبارزه با حکومت‌های طاغوتی و ظلم و فساد تا سرحد نابودی این گونه نظام‌ها است و پس از سقوط دیگر وظیفه‌ای ندارد یا مسئولیت و وظیفه‌اش ادامه دارد تا ایجاد يك نظام عادلانه و باز ادامه دارد در نظارت بر آن نظام. در پاسخ این سئوال باید گفت «الاسلام دين ودولة» یعنی اسلام آیینی است که مردم را در زیر لوای توحیدی بصورت «امت» درآورده که در آن واحدهم روابط و وظائف افراد را با خداوند و هم روابط افراد را با هم دیگر معین نموده است (عبادات، معاملات،

سیاسات) بنابراین نمیتوان اسلام را با مسیحیت در مسئله حکومت مقایسه کرد. اسلام بهمان اندازه به امور دنیائی مسلمانان بستگی دارد که با امور دینی. در اسلام کلیسا وجود ندارد تشریفات مذهبی و سلسله مراتب کلیسایی نیست در اسلام امت مسلمان بوسیله ایمان مشترك سازمانی برقرار ساخته است که در ورای کشورهای مختلف، نژادها و فرهنگ و زبانهای گوناگون يك عقیده به وحدت مستقر نموده که حتی بر رفتار روزمره مردم حکمفرما و مسلط است.

ذکر این نکته در اینجا لازم است که وقتی از حکومت اسلامی تعبیر به نئوکراسی یعنی حکومت الهی میشود این اشتباه برای بعضی نویسندگان غربی پیش آمده است که حکومت الهی یا نئوکراسی به معنای حکومت روحانیون است در صورتیکه در اسلام سلسله مراتب و سازمان روحانی به مفهوم مسیحیت آن وجود ندارد و طبقه روحانی که دارای مزایای خاص اجتماعی باشد در اسلام نیست بلکه همه مردم در برابر هم مسئول و از نظر حقوق اجتماعی مساویند «انما المومنون اخوة».

اسلامی ترین شکل حکومت همان بود که در حیات رسول اکرم و صدر اسلام و مخصوصا در خلافت علی بن ابیطالب تحقق یافت که کلیه احکام الهی مراعات و دقیقاً اجرا میشد، خلافت موروثی نبود اساس کار، با بیعت برگزیدگان امت استحکام می یافت اما بتدریج که قلمرو اسلام بسط و توسعه یافت. پیچیدگی سازمان سیاسی امری غیر قابل احتراز شد، اثرات حکومت استبدادی روم شرقی (بیزانس) و ساسانیان محسوس گردید، خلافت شکل موروثی به خود گرفت انواع مختلف دولتها در قلمرو اسلام بوجود آمد مانند حکومت استبدادی خلفای بغداد و قرطبه و یا حکومت نظامی ترکان و مغولان هر يك تحت تاثیرات خارجی متعددی قرار گرفت و نویسندگان درباری هم کوشش داشتند که تاثیرات خارجی را با اصول موضوعه اسلامی هماهنگ و موافق نشان دهند از جمله «احکام السلطانیه» یا (ارکان حکومت) ماوردی که بعضی آنرا «فلسفه سیاسی اسلامی» دانسته اند که مؤلف خواسته است به سازمان سیاسی و حکومتی دوران عباسی شکل و قیافه اسلامی بدهد بنظر ما بسیار غلط است که امپراطوری بنی امیه و عباسیان و مخصوصا امپراطوری عثمانی را در شمار حکومتهای الهی (نئوکراسی) بدانیم و این نوع حکومتها هیچکدام با موازین ثابت اسلامی منطبق نبود زیرا آن حکومتی را میتوان اسلامی نامید که بر مبنای ایدئولوژیهای اسلامی استوار و مجریش از توده مردم با آراء عمومی (جمهوری) انتخاب شده و مسائل مادی و معنوی اش با هم آمیخته و پیوسته باشد.



شیخ مصطفی مراغی در سال ۱۹۳۹ مسیحی که ریاست دانشگاه الازهر را داشت می‌گفت «واما در موضوع اصل مشهور»: آنچه به خدا تعلق دارد به خدا و آنچه متعلق به قیصر است به قیصر بدهید (سخن کلیسا) در اسلام وجود ندارد. و بیاری خدا ما در مقاله‌های مستقل درباره خصوصیات حکومت اسلامی بحث را ادامه خواهیم داد.

محمد مفتیح